



مکتب‌خانه

حمیدرضا جلائی پور یکی از طرق فهم جامعه‌شناسی، توجه به مفاهیم جامعه‌شناختی در قالب دوگانه‌های اصلی همچون عاملیت/ ساختار، خرد/ کلان، واقعیت/ ارزش، عمو/ خصوصی، نظریه/ عمل و... است. توجه به این دوگانه‌ها، فهم ما را از جامعه کامل‌تر می‌کند. در عین حال، لزوماً نباید آنها را به‌گونه‌ای تقابلی درک کرد. از این پس در این ستون، مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی را در قالب ۲۴ دوگانه جامعه‌شناختی مرور می‌کنم. هر مفهوم و اصطلاح علمی به اختصار و سادگی در چند خط توضیح داده شده‌است. طبیعتاً این اجمال و سادگی، توضیح جامع و کامل علمی این مفاهیم (بعضاً پیچیده) را تا حدودی تحت‌الشعاع قرار داده‌است. خواننده غیرمتخصص و علاقه‌مند به علوم اجتماعی با دنبال کردن توضیحات منتهصری که در باب این مفاهیم اصلی (در قالب ۲۴ دوگانه جامعه‌شناختی) داده می‌شود، با تقابل‌های اصلی جامعه‌شناختی و مفاهیم محوری آن به‌طور ابتدایی آشنا می‌گردد. این مفاهیم از کتاب دوگانه‌های اصلی جامعه‌شناختی، (London: Sage publications, 2002) و ویراستار آن دویلد والش بوده‌است، استخراج و ترجمه شده‌اند. این کتاب توسط ۱۳ جامعه‌شناس انگلیسی تألیف شده‌است.

■ **دوگانه یک ساختار– عاملیت**

ساختار (structure): ساختار یکی از مفاهیم کلیدی در جامعه‌شناسی است. از این مفهوم معمولاً برای اشاره به الگوهای تکرار شونده رفتار اجتماعی استفاده می‌شود. از آنجا که این رفتارها فراگیر، مستمر و قاعده‌مند هستند، بر انسان‌های دیگر تأثیر می‌گذارند و آنها را مقید و محدود می‌سازند. ما معمولاً رفتارمان را با فشارهایی که از سوی ساختار اجتماعی به ما وارد می‌شود هماهنگ می‌کنیم. برای مثال، هنگام مراجعه به بانک در صف می‌ایستیم و در روابط خود از الگوهای رایج پیروی می‌کنیم.

عاملیت (agency): از این مفهوم برای بیان میزان اراده آزاد افراد در کنش‌های اجتماعی‌شان استفاده می‌کنیم. میزان عاملیت و اراده ما به میزان فشارهایی که از سوی ساختارها به ما وارد می‌شود بستگی دارد. عاملیت برخی افراد به علت عوامل ساختاری (مثل فقر) از عاملیت برخی دیگر کمتر است. همچنین برخی شرایط (مثل یک وضعیت سیاسی مستبدانه) منجر به کاهش عاملیت همه افراد می‌شود.

سیستم‌ها (systems): از این اصطلاح غالباً برای توصیف یک نظریه (نظریه سیستم‌ها) استفاده می‌شود. فرض نظریه سیستم‌ها بر این است که جهان اجتماعی متشکل از سیستم‌های سازمان‌یافته‌ای است که با یکدیگر همپوشانی دارند و با یکدیگر جفت و جور شده‌اند و به شیوه‌ای متقابل عمل می‌کنند. بنابراین جامعه متشکل از سیستم‌های همچون سیاست، اشتغال، اقتصاد و خانواده‌است و هر یک از این سیستم‌ها سهمی در عملکرد کل سیستم اجتماعی دارند. این نظریه متضمن یک طرز کلان از جامعه‌است. **ساختارگرایی (structuralism):** ساختارگرایی یک نظریه اجتماعی پیچیده در چند رشته علوم انسانی است. این نظریه مبتنی براین باور است که همه انسان‌ها در یک سطح بنیادین ذهنی از ویژگی‌های مشترکی برخوردارند. بنابراین در این نظریه تفاوت‌های انسان‌ها در مکان‌ها و زمان‌های مختلف و مثلاً اختلافات در زبان، الگوهای خویشاوندی، اسطوره‌ها، آداب و رسوم، همه تفاوت‌هایی سطحی محسوب می‌شوند. این منظر این نظریه، در یک سطح ساختاری عمیق، همه رفتارها را می‌توانیم به مجموعه علل مشابهی تقلیل دهیم.

کارکردگرایی (functionalism): کارکردگرایی، نظریه‌ای جریان‌ساز در جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی است که پیش از دهه ۱۹۶۰ شکل گرفته‌است. فرض این نظریه بر این است که عملکرد تمام کنش‌ها و نهادهای اجتماعی هدفمند است. یعنی هر یک کارکردی دارند که در جهت هدف جامعه به عنوان یک کلیت است. طبق این نظریه، علل تمام رفتارها را می‌توانیم بر حسب کارکردهای آنها توضیح دهیم. کارکردگرایی برای تبیین رفتارهایی که از نظر این نظریه مخرب، منحرف و در نتیجه دارای کارکرد سوء هستند، دچار مشکل است.

نظریه کنش متقابل (interactionism): کنش متقابل،

نظریه‌ای اجتماعی است که در باب ماهیت جامعه‌پیش‌دآوری نمی‌کند و طرز کلانی از جامعه ارائه نمی‌دهد.

در عوض، بر این باور مبتنی است که انسان‌ها در کنش‌های متقابل و تعاملات زندگی روزمره خود، معانی و واقعیات را تولید می‌کنند و این معانی به تصدیق و تأیید دیگران در جریان کنش متقابل وابسته است.

همایش جنبش نرم‌افزاری

خبرچین

هم‌اندیشی شیوه‌های گسترش و تعمیق کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد و مناظره در حوزه‌های علمیه به ابتکار جنبش نرم‌افزاری و با حضور نهادهای حوزوی فعال در این زمینه در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم برگزار شد. این هیات در سال ۱۳۸۲ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و با پانزده عضو کار خود را آغاز کرد. در این نشست که با هدف بررسی فعالیت‌ها و تجربیات نهادهای فعال در زمینه کرسی‌های نظریه‌پردازی حجت الاسلام والمسلمین غلامی (دبیر هیأت)، حجت الاسلام والمسلمین محمدتقی سبحانی (معاون پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) و حجت الاسلام والمسلمین فریحی (استاد دانشگاه و عضو هیات علمی دانشگاه تهران) سخن گفتند. در آغاز این مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین نصرتی مدیر دفتر جنبش نرم‌افزاری معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با اشاره به فرمایشات مقام معظم رهبری در مورد نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری گفت: «دفتر جنبش نرم‌افزاری از بدو تأسیس خود در سال ۱۳۸۲ تاکنون بیست‌وسه کرسی نوآوری، آزاداندیشی و نقد و مناظره را برگزار کرده که این نقطه آغازین حرکت تا رسیدن به وضعیت مطلوب به شمار می‌رود.» در ادامه حجت‌الاسلام دکتر محمدتقی سبحانی معاون پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی طی سخنانی گفت: «در گذشته فعالیت حوزه‌های علمیه عمدتاً معطوف به درون خود و جامعه شیوه بوده که بنیادی امروز ایجاد می‌کند زبان علمی و حوزوی ما نگاهی به بیرون داشته باشد. حجت‌الاسلام فریحی استاد دانشگاه و عضو هیات علمی دانشگاه تهران را با بیان اینکه بحث‌های علمی– اسلامی در ایران نسبت به سایر کشورهای دنیا جلوتر است، گفت: «اهداف یک نظریه آگاهی‌رساندن یکی امر خارجی و عرضه آن به عمل انسان است.»

فلسفه میان فرهنگی نفی قوم‌مداری

گزارش سخنرانی ارگارت پین در خانه حکمت و فلسفه تهران

فلسفه میان فرهنگی

علی رنجی پور: اولین نشست از سلسله گپ و گفت‌های نظری درباره مسائل فرهنگی هنری با عنوان «شب‌های روشن» در فضای سبز و حیاط خانه حکمت و فلسفه برگزار شد. در این جلسه خانم دکتر تیر ارگارت‌پین استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آخن آلمان درباره «نفی قوم‌مداری در اروپای مابعد جدید» صحبت کرد. شرق شناسی نو و تعریف جریان «فلسفه میان فرهنگی» موضوع سخنرانی خانم «ارگارت پین» پروفیسور جامعه‌شناس دانشگاه آخن آلمان، در محل خانه حکمت و فلسفه شهر تهران» بود. این برنامه که به همت اساتید بنیاد فرید در حیاط خانه حکمت و فلسفه و در هوایی مطبوع و بهاری، برگزار شد، به سخنرانی و گپ و گفت حول بررسی نقادانه نگاه غرب به فرهنگ‌های غیر (به خصوص شرق) و تأثیر قوم‌مداری و ادعاهای کلی گرایانه فلسفه غربی بر این موضوع، اختصاص داشت.

■ **قوم‌مداری و کلی‌انگاری فلسفه غربی**

ارگارت پین، نقلی عام از مفهوم فلسفه را که در محدوده تعریف «مجموعه افکار و نظریاتی از سقراط و افلاطون در اسطوط تا کانت و هگل و حتی فوکو و هابرماس و . . .» که در طول تاریخ در روم و یونان و به طور کلی اروپا رشد کرده‌است و در همه جای دنیا، تحت عنوان دانش بنیادی فلسفه معرفی و بیان می‌شود» را قوم‌مدارانه خواند و ادعاهای غرب را کلی‌انگازنه معرفی می‌کرد. این متفکر زن آلمانی که اصالت قوم‌مداری فرهنگی و فلسفی اروپا را به قدمت تاریخ فرهنگ و فلسفه غرب و اروپا می‌داند، معتقد است که نقطه عطف ادعاهای کلی‌انگاری، دوره روشنگری و آغاز مدرنیته است. دوره‌ای که عموماً مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر، سکولاریزاسیون و . . . و به طور کلی مبانی مدرنیته شکل گرفتند. در این دوره است که اروپا به فهم جدیدی از خود رسید تا در نظر به نقطه اوج فرهنگ و تمدن بشری قرار گیرد. این منظر این اندیشمند زن، نگاه فیلسوفان بزرگ غرب (به خصوص آنها که مقارن عصر روشنگری بودند مانند ولتر، کانت، هگل و . . .) قوم‌دار و کلی‌انگازنه بود، که این‌ها آنکه که از تاریخ سخن می‌گفتند، آن را با تاریخ اروپا یکی می‌انگاشتند و به تاریخ جهان تعمیم می‌دادند. او در مورد هگل گفت: «فلسفه هگل را می‌شود، فلسفه استعمار دید. مثلاً به عقیده هگل آفریقا، استرالیا، آمریکا و آسیای مرکزی از لحاظ تاریخی، فرهنگی اهمیت ندارند، چرا که در این مناطق شرایط طبیعی و جغرافیایی، کونین یک فرهنگ انسانی را غیرممکن ساخته‌است. او قاطعانه می‌گوید که فلسفه در روح و جان ژرمنی و مسیحی به هم می‌رسد. کانت را هم می‌توان اینچنین تحلیل کرد و مثلاً برخی نظرات او را نوزده‌ساله و موجه برده‌داری و استعمار دانست. اگرچه باید این فیلسوفان بزرگ را از همه مناظر و به طور کامل دید.» او سپس برای

خلاف آمد عادت

سیدعلی میرفتاح: فروردین ۱۳۴۵ از مرحوم «محمدعلی جلال‌زاده» کتابی منتشر شد با عنوان «خلیقات ما ایرانیان». این کتاب گردآوری – نه چندان منظمی– بود از اظهارنظرهایی که «دیگران» درباره ایران و ایرانی کرده بودند. این «دیگران» مردمانی از سرزمین‌های دیگر بودند که بنا به دلایلی سر و کارشان به ایران و ایرانی افتاده بود و دست بر قضا، دستی به قلم داشته و چند سطری درباره سرزمین و خلیقات ما نوشته بوده‌اند. با اینکه اغلب «دیگرانی» که در این کتاب جمع شده‌اند، تا رسیدن به سرزمینی نوشته‌اند که برای آنها کهنگی می‌دهد – مع ذلک– اغلب نظریاتشان هنوز هم مصداق دارد و هر خواننده زیرکی که کتاب را بخواند، متوجه می‌شود، از زمان «هرودوت» تاکنون ایرانی جماعت فرق چندانی نکرده و خلیقات نیک و بد خویش را چون میراثی گرانبها به اخلاف خویش منتقل کرده‌است. درباره این کتاب زیاد حرف نمی‌زنم و توصیه می‌کنم اگر نخوانده‌اید – از زیر سنگ هم شده– بنیادیش کنید و بخوانید، اما برای اینکه بدانید منظورم از بیان اینکه نظرات دیگران درباره ما همچنان مصداق دارد چیست؟ جمله‌ای از «اپولت» شاعر رومی دو قرن قبل از میلاد (مسیح ع) را که در وصف ایرانیان گفته نقل می‌کنم و «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل»:

Servam Oporem Libram

ساده این جمله چیزی است درخصوص اشتقاق نظر و عمل.

ما مردمان عجیبی هستیم. سرزمینمان در جای عجیبی واقع شده، حوادث عجیبی بر ما رفته، کارهای عجیبی کرده‌ایم و خلاصه اینکه قدرتی فراتر از اراده مردم، همیشه موجب آن شده‌است که مرکز «خلاف‌آمد عادت» جهان باشیم. این بیت خواجه که فرمود: «از خلاف‌آمد عادت بطلب کام که من/ کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم» جدای از معانی عرفانه و عاشقانه مصداقی است از سرزمین ما که هیچ‌گاه جز «پریشانی» به خود ندیده‌است و اگر روزی هم کام‌وا شده

ما مردمان عجیبی هستیم. سرزمینمان در جای عجیبی واقع شده، حوادث عجیبی بر ما رفته، کارهای عجیبی کرده‌ایم و خلاصه اینکه قدرتی فراتر از اراده مردم، همیشه موجب آن شده‌است که مرکز «خلاف‌آمد عادت» جهان باشیم. این بیت خواجه که فرمود: «از خلاف‌آمد عادت بطلب کام که من/ کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم» جدای از معانی عرفانه و عاشقانه مصداقی است از سرزمین ما که هیچ‌گاه جز «پریشانی» به خود ندیده‌است و اگر روزی هم کام‌وا شده

سال‌های اخیر نسبت به فعالیت‌های تیشیری ادیان دیگر به ویژه مسلمانان و مسیحیان حساسیت بسیاری به خرج داده و

چون مسلمانان به واسطه حوادث پس از یازدهم سپتامبر و درگیری‌های منطقه‌ای عملاً در موقعیت تبلیغ و تشریر برای دین خود نیستند، هندوها تلاش خود را معطوف به متوقف کردن فعالیت مسیحیان در هندوستان کرده‌اند. آنها معتقدند که مبلغان مسیحی با شیوه‌های پنهان اجتماعی و روانی تلاش می‌کنند هندوها را به تغییر دین خود ترغیب کنند و آنها را از آیین مسیح دراوژند. باقی تغییر دین به هر شیوه ممکن باعث ایجاد حساسیت‌های خاصی در آسیای شرقی و به ویژه هندوستان شده‌است. این حساسیت‌ها تا آن جا پیش رفت که دولت هندوستان قانونی را مبنی بر ممنوعیت فعالیت تبلیغی مسیحیان در این کشور صادر کرد که براساس آن هیچ مبلغ مسیحی حق ندارد در دیگری را به مسیحیت ترغیب کند. این مسیحیت شامل کمک‌های خیریه و عام‌المنفعه گروه‌های مسیحی نیز می‌شود. به هر حال مبلغان مسیحی که روزی آسیا را به عنوان بهترین منطقه برای تبلیغ و ترویج مسیحیت در نظر داشتند این روزها شرایط دشواری را می‌گذرانند و دیگر نمی‌توانند با دادن یک وعده غذا و یا یک داروی ممکن فری را در دین مسیح دراوژند.

مژگان ایلاتلو: ایالت راجستان هند که برای توریست‌ها و جهانگردان نمونه زیبایی از چشم‌انداز فرهنگ و تمدن خیره‌کننده هندوستان است و جهانگردان کوله‌بار خاطرات خود را از بومیان رنگارنگ راجستان با آن لباس‌های هزاررنگ و رقص‌های گروهی که نمایی از زندگی و تلاش روزانه آنان است، پر می‌کنند، در روزهای اخیر شاهد درگیری‌های خشونت‌آمیز و رعب‌آوری بود که چهره این ایالت زیبا و آرام را در چشم راننده‌ها تیره و کدر کرد. هندوهای بومی که در دهه‌های اخیر صفت خشمگین و افراطی نیز به نام آنان از ایالت‌ها شده‌است با حمله به مدرسه امانول واقع در ایالت راجستان مراسم فارغ‌التحصیلی دانش‌آموختگان انجیلی را پرهم زده و عدای را به شدت مضروب کردند. به گزارش بی‌بی‌سی اگرچه این درگیری تلفات جانی دربرداشته‌است اما خسارت‌های مالی فراوانی وارد کرده و درد زیادی زخمی شدند. هندوها در

حکمت شادانان



در روز چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۵ در کنار ارگارت پین در خانه حکمت و فلسفه

مطالعات و همکاری‌های میان رشته‌ای، علی‌الخصوص رشته‌های علوم انسانی است. نقطه عزیمت و واصل بنیادی این فلسفه گفت‌وگو و ارتباط عینی با سایر فرهنگ‌ها است؛ نه استدلالات منطقی و صوری و قرار دادن قضایای مرتبط در حیطه اعتبار مطلق. «ارگارت پین همچنین، نسبت پدیده گلوبالیزیشن با فلسفه میان فرهنگی، جهانی‌سازی را حاصل فرآیندهای مختلف سیاسی و اقتصادی دانست و در پاسخ به سؤال یکی از حضار در این مورد می‌گوید: «قوم‌مداری از منظر انسان شناسی و روانشناختی مربوط به قوم‌مداری است که طبیعتاً میل به آن در طبیعت همه انسان‌ها وجود دارد، تا منشأ همه امور را به خویش و علایق خویش بازگرداند. همین موضوع در بعد اجتماعی، جنبه قوم‌مدارانه به خود می‌گیرد که به تبع آنچه گفته شد، مانع درک صحیحی از مسائل پیرامون می‌شود. مهمترین وجه قوم‌مداری در دنیای امروز اروپا مداری است که به نوعی این قبیله جهانی‌سازی براساس آن و الگوی مدرن غربی شکل گرفته است.»

خرد جوادان در «حکمت شادان»

حمیدرضا ایک: حکمت شادان صفحه جدیدی است که گروه اندیشه آن را منتشر می‌کند؛ صفحه‌ای در کنار همان صفحه اندیشه که از ابتدای تأسیس شرق در روزنامه منتشر می‌شد. دلایل بسیاری وجود داشت که همکاران گروه اندیشه را واداشت بود تا در صفحه اندیشه با مخاطباتی سخن بگویند که کم‌بیش، مقدمات لازم برای بهره بردن از مباحث این صفحه را طی کرده‌اند. این اتفاق اما باعث شده بود بسیاری از خوانندگان روزنامه از کنار این صفحه بگذرند و گمان کنند صفحه اندیشه را نباید خواند. «حکمت شادان» اما متولی برقراری ارتباط با مخاطبان عام است. از این رو کوشیده‌ایم تا در آنها به درج مطالبی بپردازیم که درکنش، به هیچ مقدمه فلسفی و جامعه‌شناختی‌ای نیاز نداشته باشد. محور اصلی مطالب این صفحه خبر، آموزش و

بزنند و لذت ببرند. قدمشان روی چشم.

شهرشناسی به روایت نوشته‌های کوتاه



محمدرضا حائری در اقدامی یک

یا چند انعکاس فضایی دارد. این

مهم در کشور ما چندان که باید

جدی گرفته نشده‌است و فراتر آنکه،

هر نوع ایدئولوژی، اندیشه و دیدگاهی نیز یک یا چند

مابه‌ازای فضایی دارد. ما اکنون در شهرها و بناهایی

زندگی می‌کنیم که حاصل عکس‌العمل‌های فضایی

اقدامات و نظریه‌های گوناگون هستند. شهرهای ما

براساس عکس‌العمل‌ها شکل می‌گیرند و گسترش

می‌یابند و نه براساس سازماندهی اندیشمندانه فضا.

اگر بپذیریم هر اقدامی یک یا چند انعکاس فضایی

دارد، پرسش این است که چه کسانی با فضا سر و کار

دارند؟

این پرسشی است که پاسخ آن را می‌توان با پرسش دیگری ارائه کرد. امروزه چه کسی با فضا سر و کار ندارد؟ همه، هم مسئولان فضا، مانند وزیر و وکیل، شهردار و مدیر کل، هم فضا سر و کار دارند، هم متخصصان فضا اعم از شهرساز و جغرافیدان، اقتصاددان و معمار، هم متفکران، هنرمندان و هم مردم شهر، کارمند و خانه‌دار، جوان و پیر، زن و مرد؛ در این میان پرسش‌های مهم اینها هستند: «هوش» بنیاد برده‌ایم و به تصمیم‌گیری‌های سریع – در این نوشته‌های کوتاه کوشش شده تا تعاریف موجود در قلمرو شهرنشینی معاصر ایران مجدداً مورد بازبینی قرار بگیرند و به «ها» یادآوری کنند که از شهر غافل نشویم؛ همانگونه که ما فضا را می‌سازیم فضا نیز ما را می‌سازد.

تیان آن‌من، ۴ ژوئن ۱۹۸۹



علی معظلی: ۱۷ سال پیش در روزهای آغازین ماه ژوئن، نزدیک به یک میلیون نفر چینی در میدان تیان‌آن‌من در پایتخت چین جمع شدند تا در امتداد خواست‌های دانشجویان معترض آزادی بیشتر برای خود و پاسخگویی از سوی حکومت را برای خود طلبند. تظاهرات چندروزه مردم نهایتاً با دخالت ارتش چینی پایانی خونین یافت و چند هزار نفر (به قول مقامات رسمی اما دویست نفر) در این واقعه کشته شدند. پس از آن هم بسیاری از فعالان چینی در ارتباط با این تجمع تحت پیگردار گرفتند و به

نست ؟ ادای دینی به شعور و آزادی خویشان است.



دوربرگردان

بیژن عبدالکریمی: وقتی جامعه‌ای اسیر ضعف و انحطاط می‌شود این ضعف و انحطاط تمام ارکان و اجزای جامعه را دربر می‌گیرد. روشنفکران و دانشگاهیان ما نیز از این آفات برکنار نیستند و چه بسا قصور و مسئولیت‌ناشناسی آنان نابخشودنی‌تر از سایر طبقات، اقشار و نهادهای اجتماعی جامعه باشد. به تعبیر یکی از دوستانم جامعه ما امروزه نه تنها اسیر «ابد اخلاقی» بلکه از آن رychشت‌انگیزتر آنکه گرفتار «بی اخلاقی» شده‌است با این توضیح که در جامعه ما، مثل هر جامعه بشری دیگری، نه تنها رفتار و اعمال غیراخلاقی و برخلاف اصول اخلاقی دیده می‌شود و این تا حدودی طبیعی و از شئونات حیات اجتماعی است بلکه آنچه محل نگرانی است بی تفاوتی جامعه نسبت به نقد اخلاقی اعمال و رفتاری است که برخلاف شئونات و ارزش‌های اخلاقی صورت می‌پذیرد. در جامعه‌ای که اسیر «بی اخلاقی» می‌شود دیگر میان خدمت و خیانت، خودخواهی و فداکاری، راستی و دروغ و صداقت و ریا فرقی وجود ندارد و جامعه نسبت به رعایت یا زیر پا گذاشتن شدن ارزش‌ها بی تفاوت بوده، از خود عکس‌العملی نشان نمی‌دهد. آنچه خوف‌برانگیزتر است این است که این آفت به جامعه علمی و آکادمیک و نیز روشنفکری ما سرایت کرده‌است. در این اواخر باره‌ای از آثار هایدگر به فارسی ترجمه شده‌است که نمایانگر نهایت ضعف و انحطاط فرهنگی و آکادمیک جامعه ماست. عجیب است! در جامعه ما تأثیری به نام ترجمه آثار هایدگر ترجمه می‌شود که گاه بیش از ۹۰ درصد کتاب، یا برای اینکه اساساً بی‌معناست تا آنجا که حتی این آثار از قابلیت نقد و بررسی شدن نیز برخوردار نیستند. در این مثال در عبارات این ترجمه‌ها فاعل لازم به همراه مفعول به کار رفته‌است یا آنکه لغت جمله متعدی است اما جمله فاقد مفعول است و یا با ضمایری روبه‌رو می‌شود که فاقد هر گونه مرجع ضمیری است و . . . سؤال من از آن دسته عزیزانی که دست به ترجمه آثار هایدگر می‌زنند این است که به راستی آنان با چه هدف و انگیزه‌ای به این گونه ترجمه‌ها مبادرت می‌ورزند. بنده یقین دارم که پاره‌ای از مترجمین حتی خودشان نیز نمی‌توانند معنا و مراد خویش را از عبارات فارسی ترجمه خودشان بیان کنند. کافی است یکی، دو بار مترجمین این گونه آثار به برخی مجامع علمی و دانشگاهی دعوت شوند و از آنان خواسته شود تا خودشان معنا و مفهوم کتابی را که ترجمه کرده‌اند بازگو نمایند. آیا به راستی آنان از عهده این امر برخواهند آمد؟ بنده حقیقتاً تردید دارم. این ترجمه‌های نامفهوم را باید خدمتی به زبان فارسی و جامعه فلسفی و فکری ایران دانست یا آنها را باید به منزله مجرم کردن یک ملت بزرگ از پاره‌ای اصل‌ترین آثار فلسفی و نظری تلقی کرد؟ من از همه مترجمان، ناشران و دست‌اندرکاران این کتاب عاجزه استدعا دارم که امر کتاب در امری جمعی و فرهنگی در اصل‌ترین معنای کلمه تلقی کرده و بدون مشورت با صاحب‌نظران در هر رشته امر ترجمه یا حتی تألیف را چنین به سخره نگیرند. پرواضح است که این سخن درباره همه مترجمین و ناشران اصول صادق نبوده و نیست. همچنین جای بسی تعجب است که چرا روشنفکران و دانشگاهیان در برابر این گونه قتل‌عام آثار اصیل، که به نام ترجمه در کشور ما صورت می‌گیرد، هیچ واکنشی از خود نشان نمی‌دهند.

فریدریش نیچه

مسعود رنجانی: «پیشاسقراطی» (Pre-Socratics)

اصطلاحی است که در کاربرد وسیع خود به‌پاره‌ای از متفکران دیرین یونانی اطلاق می‌شود که عموماً در روزگار پیش از

سقراط – حدود سال‌های ۶۰۰ تا ۴۰۰

پیش از سقراط، مستند و دست اول

فیلسوفان پیشاسقراطی بسیار پرآهنگ و ناپعز

است. در واقع ما هیچ

کتاب دست‌نخورده و هیچ

یکپارچه‌ای از هیچ

فیلسوف پیشاسقراطی نداریم. آنچه داریم به

صورت قطعات تکه‌ها و گسسته‌است که از

طریق نقل‌شان توسط نویسندگان پسین روزگار باستان

ارمانده‌اند که نخستین‌شان افلاطون است. اما بسیاری از

نقل‌قول‌ها از منابع و مآخذ بسیار متأخرتر است. یکی از

مستندات بسیار ارزشمند ما درباره فلسفه پیشاسقراطی،

نوشته‌های فیلسوفی به نام سیمپلیکیوس است که در قرن

ششم میلادی می‌زیست، یعنی هزار سال پس از کسانی که

می‌خواهیم فلسفه‌شان را بدانیم.

جداً از نقل قول‌های مستقیم، نویسندگان متأخرتر مقدار

معنابهی نقد و تفسیر نیز به دیدگاه‌های این فیلسوفان

نخستین نوشته‌اند که در دست است. سراجاز این نقد و

تفسیرها هم مربوط به نوشته‌های افلاطون، ارسطو و

تئوفراستوس (شاگرد ارسطو) است. بسیاری دیگر باز

متأخرتر هستند. اکثر این نقد و تفسیرها نیز قابل اعتماد

نیستند، زیرا مفسران کمتر در پی گزارش تاریخی بی طرفانه

از این اسلاف نخستین شان، و بیشتر در پی رد عقاید آنها و

بسی‌مانند چه آنکه دیدگاه‌های این فیلسوفان نخستین را با

وصله‌هایی کردن نقل قول‌های پراکنده و گزینشی را، و تفسیر و

نقدهای جانبدارانه و مغرضانه به دست آوریم. گذشته از

اینکه مدارک مستند از فیلسوفان پیشاسقراطی بسیار اندک

است، عدم تمایل آنها به نظام‌سازی فلسفی به شیوه

افلاطون، ارسطو و نوافلاطونیان، عامل دیگری در تاریخ

تاریخ فلسفه برای بی‌مهری به افکارشان در تاریخ فلسفه

شد. در واقع فیلسوفان پیشاسقراطی قرن‌ها تحت نفوذ

سکین و آوازه بلند اخلاف سترگ خودمانده‌اند. مقاومت

افلاطون و ارسطو و نیز مکاتب پسارسطویی به سببه رفته

بودند. تنها در دوره جدید است که آهسته آهسته فیلسوفانی

مانند هگل، نیچه و هایدگر به آثار غربت نشان دادند و

بازخوانی آثار فلسفی آنها را در دستور کار قرار دادند.

masoud@vivaphilosophy.com